

اثر صفات سه‌گانه تاریک شخصیتی بر شادکامی و سرسختی ذهنی ورزشکاران و غیرورزشکاران

مجید مظفری‌زاده^۱، فاطمه حیدری^۲، و سیدمرتضی طیبی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثر صفات سه‌گانه تاریک بر شادکامی و سرسختی ذهنی ورزشکاران رشته‌های برخوردی، غیر برخوردی و غیر ورزشکاران بود. تعداد ۲۰۰ ورزشکار رشته‌های تکواندو و ژیمناستیک که توسط فدراسیون و ۱۰۰ غیر ورزشکار به‌صورت در دسترس انتخاب شدند، پرسش‌نامه‌های آنلاین را تکمیل کردند. برای پردازش داده‌ها از فن مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته شده است. یافته‌ها نشان داد که خودشیفتگی هیچ اثری بر شادکامی ورزشکاران رشته‌های برخوردی، غیربرخوردی و غیرورزشکاران نداشت؛ اما صفت ماکیاولیستی در ورزشکاران رشته‌های غیربرخوردی اثر معنادار و معکوسی بر شادکامی داشت و اثر معناداری بر ورزشکاران رشته‌های برخوردی و غیرورزشکاران دیده نشد. از طرف دیگر، اثر معنادار و مثبت شادکامی هر سه گروه بر سه مؤلفه اساسی سرسختی ذهنی؛ یعنی تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی مشاهده شد. به روان‌شناسان و مربیان ورزشی پیشنهاد می‌شود که به این صفات ورزشکاران توجه کنند.

کلیدواژه‌ها: ماکیاولیسم، شادکامی، تعهد، کنترل، مبارزه‌جویی، ورزش برخوردی، ورزش غیربرخوردی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: mozafarizadeh.majid@gmail.com

۲. کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استادیار فیزیولوژی ورزشی، هسته پژوهشی فیزیولوژی تندرستی و فعالیت بدنی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

سه‌گانه تاریک به سازه‌های شخصیتی خودشیفته^۱، ماکیاولیانیسم^۲ و ضداجتماعی^۳ اشاره دارد که هر کدام مستقل از دیگری، اما مرتبط با یکدیگر هستند (پالهاوس و ویلیامز^۴؛ ۲۰۰۲؛ کارتن و اگان^۵؛ ۲۰۱۶). پالهاوس و ویلیامز در سال ۲۰۰۲ سازه شخصیتی سه‌گانه تاریک را توصیف کردند و از آن به بعد، به سه‌گانه تاریک^۶ توجه فزاینده‌ای شده است (وسلکا و ورنون^۷؛ ۲۰۱۴؛ صبوری و همکاران، ۲۰۱۶). هنگامی که احساس مهربانی و عشق از دلی رخت برمی‌بندد و جزو خصوصیات فرد می‌شود، در این صورت است که روان‌شناسان او را در یکی از تیپ‌های سه‌گانه تاریک خودشیفتگی، ماکیاولیانیسم (رسیدن به هدف به هر وسیله) و ضداجتماعی طبقه‌بندی می‌کنند. هر سه نمونه درجات مختلفی از شدت و ضعف دارند و غالباً به صورت مکتوم و خفته و به شکل ناپهنجاری‌های اجتماعی، دورویی، نیرنگ‌بازی، خودمحورانگاری، پرخاش و سردی عاطفی خود را نشان می‌دهند و امکان تظاهر پیدا می‌کنند (گلن^۸؛ ۲۰۰۰). این ابعاد به‌طور معناداری با یکدیگر همبستگی دارند (کارتن و اگان، ۲۰۱۶). این نظریه مبین این است که سه ویژگی شخصیتی خودشیفتگی، ماکیاولیانیسم و ضداجتماعی به‌لحاظ اجتماعی دارای ابعاد ناپسند و غیراخلاقی هستند و می‌توانند رفتارهای مخرب اجتماعی را پیش‌بینی کنند. کنارهم‌قرارگرفتن هم‌زمان این ویژگی‌ها دید کامل‌تری از انگیزه‌ها و هیجان‌های مرتبط با رفتارهای مخرب را ارائه می‌دهد (عطاری و چگینی، ۲۰۱۶). زمانی می‌توان با نشانه‌ها و عوارض این سه‌گانه تاریک و بدخیم کنار آمد که آن را شناخت

و بهتر آن را درک کرد؛ اگرچه متأسفانه جوامع کنونی، خاستگاه و زادگاه چنین تیپ‌های هنجارشکن شده‌اند؛ افرادی که به صورت انواع گونه‌های فراکلینیکی در بطن اجتماع زندگی می‌کنند و آنان را همه‌جا در اداره‌ها، مدارس، اجتماع‌های مختلف می‌توان یافت که به زندگی عادی خود ادامه می‌دهند (گلن، ۲۰۰۶). با وجود اهمیت این رفتارها، آن‌ها در حالات بحرانی، جدی گرفته نشده‌اند، باین‌حال، طی حدود دو دهه گذشته، با ریاست مارتین سلینگمن در انجمن روان‌شناسی آمریکا، شاهد نوعی تغییر جهت مطالعات پژوهشی از پژوهش روی افراد ناپهنجار به سوی پژوهش روی افراد بهنجار بوده‌ایم؛ نوعی تغییر جهت که به شکل‌گیری جنبش روان‌شناسی مثبت انجامید. این تغییر جهت عمدتاً به دنبال برجسته‌کردن ویژگی‌های سازگارانه انسانی مانند بهزیستی و شادکامی است؛ اما به نظر می‌رسد که به‌لحاظ روش‌شناسی راه را برای پژوهش ویژگی‌های منفی از قبیل سه‌گانه تاریک باز کرده باشد (زارعی، قربانی و غریبی، ۲۰۱۶). سه‌گانه تاریک شخصیتی در پیش‌بینی بسیاری از رفتارهای فردی و اجتماعی از قبیل رفتار پرخاشگرانه موفق بوده است (باومن، دیرین، گیامارکو و ورنون^۷؛ ۲۰۱۲). به‌لحاظ نظری، سه‌گانه تاریک شخصیتی بسیار موضوع درخور تأمل و مهمی است و پژوهش‌های پرشماری در فرهنگ‌های مختلف انجام شده‌اند که به کمک آن، رفتارهای مختلف انسان را توصیف یا پیش‌بینی کرده‌اند. این سه ویژگی سه‌سازه متفاوت به نظر می‌رسند که اشتراکی ندارند؛ اما پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این سه ویژگی شخصیتی دارای وجوه مشترکی هستند. پالهاوس و ویلیامز در

6. Dark Triad
7. Veslka & Vernon
8. Goleman
9. Baughman, Dearing, Giammarco & Vernon

1. Narcissism
2. Machiavellianism
3. Psychopathy
4. Paulhus & Williams
5. Carton & Egan

پژوهشی نشان دادند که بین دو ویژگی شخصیتی ضداجتماعی و خودشیفتگی و خودشیفتگی و ماکیاولیانیسم ارتباط وجود دارد (پالهائوس و ویلیام، ۲۰۰۲). در پژوهش‌های انجام‌شده، بین این سه سازه شخصیتی و پنج عامل بزرگ شخصیت (روان‌رنجوری، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، دلپذیری و وظیفه‌شناسی) همبستگی متوسطی گزارش شده است (پالهائوس و ویلیام، ۲۰۰۲). در ادامه، دربارهٔ هریک از اجزای سه‌گانه تاریک شخصیتی به تفصیل توضیح می‌دهیم. خودشیفتگی یا عشق به خود ناسالم یک ویژگی شخصیتی است که در شکل‌های افراطی تبدیل به اختلال شخصیت خودشیفته می‌شود (قربانی و همکاران، ۲۰۱۰). خودشیفتگی، ادبیات به‌خوبی توسعه‌یافته‌ای در روان‌شناسی دارد (میلر، جنتایل، ویلسون و کمپل، ۲۰۱۳). شخصیت خودشیفته با نشانه‌های احساس خودبزرگ‌بینی، اشتغال ذهنی با تخیلات موقفیت، قدرت، استعداد، زیبایی، احساس همه‌توانی، استثمار در روابط بین‌فردی و فقدان همدلی مشخص می‌شود. راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی این اختلال را این‌گونه تعریف می‌کند: خودبزرگ‌بینی، نیاز به تحسین، فقدان حس همدلی که به‌صورت الگویی نافذ و فراگیر از اوایل بزرگسالی آغاز می‌شود و در زمینه‌های گوناگونی وجود دارد و علامتش حداقل پنج مورد از این موارد است: احساس بزرگ‌بینی به‌صورت مهم‌پنداشتن خود، مشغولیت ذهنی به خیالاتی از قبیل موقفیت، قدرت، هوش، زیبایی و عشق آرمانی، اعتقاد به استثنایی و خاص بودن، نیاز به تحسین افراطی، احساس محق بودن، فقدان حس همدلی، حسادت به دیگران و رفتارهای تکبرآمیز. پژوهش‌های

بسیار زیادی دربارهٔ خودشیفتگی انجام شده‌اند که به درک ما از این سازهٔ چندبعدی افزوده است. افراد خودشیفته دیدگاه مثبت اغراق‌شده‌ای نسبت به خود دارند. همچنین، افراد خودشیفته خودشان را بیشتر جذاب، جرئت‌ورز، شایستهٔ تقدیر و از نظر روانی، سالم در نظر می‌گیرند (کارلسون، اولتامان و وزیر، ۲۰۱۱). خودشیفته‌های ناسالم می‌خواهند بیش از آنکه دوستانشان بدانند، تحسینشان کنند. غالباً در حرفهٔ خود مبتکر و نوآور هستند و به فرجام کار نیز می‌اندیشند؛ نه بدین‌علت که معیارهای عالی فردی دارند، بلکه به این خاطر که در پی کسب افتخاری هستند که انجام کار برایشان به‌ارمغان می‌آورد. (آلمن، ۲۰۱۷). سازهٔ دوم، ماکیاولیانیسم است که ورود آن به روان‌شناسی به‌طور رسمی با کتاب کریستی و گایس انجام شد (کریستی و گیس، ۱۹۷۰). این نویسندگان ویژگی‌های شخصیتی موجود در آرای نیکولو ماکیاولی، فیلسوف و استراتژیست سیاسی را وارد ادبیات کردند (عطاری و چگینی، ۲۰۱۶). تیپ شخصیتی ماکیاولی از نظریهٔ «نیکولو ماکیاولی» فیلسوف ایتالیایی قرن پانزدهم میلادی اقتباس شده است و براساس دو دیدگاه عمدهٔ «هدف وسیله را توجیه می‌کند» و «صحبت کردن، مطابق میل مردم» استوار است. ماکیاولی، تمایل فرد برای فریب دیگران برای رسیدن به منافع شخصی است (قمرانی، صمدی، تقی نژاد و شمسی، ۲۰۱۵). ماکیاولیانیسم بیان‌کنندهٔ بهره‌کشی از دیگران در راستای منافع خود از طریق اتخاذ سبک بین‌فردی ناسازگارانه و همچنین، رفتارهای برتری‌طلبانه و نبود صمیمیت و سگدلی است (وسلکا و ورنون، ۲۰۱۴). فرد ماکیاولیست در روابط اجتماعی با دیگران خود را جسور

5. Christie & Geis
6. Niccolo Machiavelli
7. Ghomrani, Samadi, Taghinejad & Shamsi
8. Veselka & Vernon

1. Miller, Gentile, Wilson & Campbell
2. Diagnostic & Statistical Manual of Mental Disorders (DSM)
3. Carlson, Oltmanns & Vazire,
4. Altman

مجرمانه در آزمون‌های هوشی نمرات پایینی کسب کردند (وسلکا و ورنون، ۲۰۱۴). افراد ماکیاولی خود را زیرک و حسابگر در نظر می‌گیرند؛ اما نتایج نشان می‌دهد که ماکیاولیستی به‌جای آنکه باهوش عمومی در ارتباط باشد، بیشتر با انواع خاصی از توانایی‌های ذهنی همچون ذهن‌خوانی و هوش هیجانی در ارتباط است (جان و پالهاوس، ۲۰۱۱؛ قمرانی، صمدی، تقی نژاد و شمسی، ۲۰۱۵). تلاش‌های زیادی در جهت پرداختن به سازهٔ شخصیت تاریک شده‌اند. در روان‌شناسی تکاملی، چهارچوبی برای شرح پدیدایی و تکامل صفات تاریک در چهارچوب روابط انسانی استفاده شده است؛ برای مثال، نتایج پژوهشی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سطوح بالای شخصیت تاریک در افراد با دستکاری در محیط کار، تمایل بیشتر به استفاده از مواد مخدر، شوخی‌های ظلمانی و تکانشگری هیجان‌خواهی همراه است (قمرانی، صمدی، تقی نژاد و شمسی، ۲۰۱۵).

دربارهٔ هیجان‌ها اغلب با استفاده از ساختارهای منفی پژوهش می‌شود؛ باوجوداین، ساختار هیجان‌ها مثبت از قبیل به‌زیستی روان‌شناختی و شادکامی به‌طور مستقیم با ارزیابی شخص سنجیده می‌شود. به‌زیستی روان‌شناختی و شادکامی با سلامت روان و بدنی با رابطهٔ بهتر در کار و زندگی خصوصی رابطهٔ مستقیم دارد (اگان و شورتر، ۲۰۱۴). شادکامی یکی از هیجان‌ها اساسی بشر است؛ بنابراین، هر فرد به فراخور خود آن را تجربه می‌کند؛ اما تعریف شادی به‌سادگی تجربهٔ آن نیست. افلاطون^۵ در کتاب جمهوری به سه عنصر در وجود انسان اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: قوهٔ عقل یا استدلال، احساسات و امیال. افلاطون شادی را حالتی از انسان می‌داند که بین این سه عنصر تعادل و هماهنگی وجود داشته باشد (دیکی، ۱۹۹۹). اینگلهارت

و بی‌پروا نشان می‌دهد؛ اما در ارتباطات عاطفی خود را بی‌علاقه و خونسرد نشان می‌دهد. ماکیاولیست‌ها نیز همانند خودشیفتگان، دیگری را اگر منفعتی داشته باشد، یک آن^۱ در نظر می‌گیرند؛ زیرا، می‌خواهند با هر وسیله‌ای به هدف خود برسند. ماکیاولیست‌ها مثل دو سازهٔ سه‌گانهٔ تاریک طبیعی ناخوش و خودخواهانه دارند؛ ولی برخلاف آن دو سازه، دیدگاهشان نسبت به خود و دیگران واقع‌بینانه‌تر است؛ نه در پی خواست‌های بلندپروازان هستند و نه سعی می‌کنند خاطره‌ای از خود بر دیگران بگذارند؛ بلکه می‌کوشند همه‌چیز را به‌روشنی ببینند تا بهتر بتوانند از آن بهره‌برداری کنند (گلمن، ۲۰۰۶). در نهایت، سازهٔ سوم، ضداجتماعی است که شامل تکانشگری، جست‌وجوی هیجان، فقدان ندامت و اضطراب و فقدان همدلی است (پاولهاوس و ویلیامز، ۲۰۰۲). گزارش شده است که هسته‌ای‌ترین صفت مشترک سه‌گانهٔ تاریک شخصیت، فقدان عاطفهٔ فردی است (جونز و فیگوریدو، ۲۰۱۳). فقدان عاطفه ممکن است کلید فهم این باشد که چرا صفات تاریک شخصیتی به‌عنوان عوامل آزارنده، از لحاظ اجتماعی شناخته می‌شوند (روسمن^۲، ۲۰۱۲). عامل اصلی مشترک در بین صفات شخصیتی تاریک، نقص در تجربهٔ هیجان بیان شده است (جانسون، لیونز، بتل و راس^۳، ۲۰۱۳). ضداجتماعی‌ها برخلاف ماکیاولیست‌ها و خودشیفتگان معمولاً هیچ تشویش و اضطرابی به خود راه نمی‌دهند؛ گویی با ترس بیگانه هستند. سه‌گانهٔ تاریک موضوع مهمی است و پژوهش‌های زیادی انجام شده‌اند که به کمک آن رفتارهای مختلف انسان را توصیف کرده‌اند (عطاری و چگینی، ۲۰۱۶). نتایج برخی از مطالعات نشان می‌دهد که افراد دارای شخصیت تاریک، نقایص هوشی و شناختی بیشتری دارند؛ برای مثال، افرادی دارای سابقهٔ رفتار متخلفانه و

4. Jonason, Lyons, Bethell & Ross
5. Plato

1. It
2. Jones & Figueredo
3. Rauthmann

معنوی می‌داند و جان لاک^۴ و جرمی بنتهام معتقدند که شادکامی مبتنی بر تعداد وقایع لذت‌بخش است (سنگیسا و چیتان، ۲۰۱۵). شادکامی به معنی امروز آن، مفهومی است در درون مفاهیم گسترده‌تر مانند خوشبختی و کیفیت زندگی؛ به‌ویژه در جایی که کیفیت زندگی باید از نگاه بیننده دیده شود، علاقه دانشمندان اجتماعی و روان‌شناسان را به سمت موضوع شادکامی سوق داده است (کرامتی، ۲۰۱۵). براساس نظریه‌های هیجان، شادکامی یکی از شش حس است که با اضطراب، استرس، افسردگی و رضایت از زندگی در ارتباط است و این عناصر به رفتارهای پرخطر از قبیل مصرف موادمخدر، سیگار کشیدن و مصرف الکل مربوط می‌شوند (عبدالهی و همکاران، ۲۰۱۴). در واقع، شادکامی برای نسل جوان به‌ویژه در ایران اهمیت دارد؛ جایی که جمعیت آن نسبتاً جوان است. آسودگی اجتماع و رفاه نسل آینده توسط شادکامی در نسل جوان تحت تأثیر قرار دارد (نامی، اسماعیلی و پورمهدی، ۲۰۱۴). شادکامی و سعادت فردی یکی از مهم‌ترین و پررنگ‌ترین آرزوهای بشر بوده است. جامع‌ترین و درعین حال عملیاتی‌ترین تعریف از شادکامی را وینهون ارائه می‌دهد: شادمانی به درجه یا میزانی اطلاق می‌شود که شخص به‌وسیله آن درباره مطلوب کردن کیفیت کلی زندگی خود قضاوت می‌کند. به عبارت دیگر، شادمانی بدین معنی است که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (وینهون، ۱۹۸۸). سلینگمن^۵ (۲۰۰۲) رئیس سابق انجمن روان‌شناسی آمریکا؛ در کتاب خود با عنوان *شادمانی اصیل*، هیجان‌های مثبت را در سه مقوله از قبیل آن‌هایی که با گذشته، حال و آینده پیوند دارند، طبقه‌بندی می‌کند. هیجان‌های مثبت

شادکامی را به‌عنوان یکی از احساسات ریشه‌ای و بسیار تأثیرگذار بر رفتار و حالات دیگر فرد که نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد، تعریف کرد. شادکامی به‌عنوان رضایت از زندگی، لذت و خوشبختی ذهنی توصیف شده است (جالو، ۲۰۱۴). شادکامی سه بعد دارد؛ از جمله فراوانی و درجه عاطفه مثبت، سطح متوسط رضایت در طول زمان و فقدان هیجان‌های منفی از قبیل افسردگی و اضطراب (طراحی و نصیریان، ۲۰۱۷). شادکامی یکی از اجزای اصلی کیفیت زندگی در تمام دوران است. نگرش مثبت به زندگی، خودپنداره بالا و امیدواری، تلاش برای رسیدن به اهداف، دوام روابط اجتماعی، حس رضایت در ارتباط با دیگران، توسعه همکاری تیمی و درکل، سلامتی روان، همه از نتایج ذهنی شادکامی هستند (سلحشور، ۲۰۱۴). سلامت بدن و سیستم ایمنی تحت تأثیر شادکامی قرار گرفتند. علاوه بر آن، رابطه مثبتی بین شادکامی و دستاوردهای تحصیلی و شغلی وجود دارد (کرامتی، ۲۰۱۴)؛ عبداللهی، ابوطالب، یاکوب و اسماعیلی، ۲۰۱۴). اخیراً، در پژوهش‌هایی شادکامی را سنجیده‌اند و عوامل تأثیر آن بر گروه‌های متفاوت را بررسی کرده‌اند. عوامل اصلی شادکامی ویژگی‌های شخصی و عناصر فیزیولوژیک هستند که موروثی‌اند؛ مانند درون‌گرایی، برون‌گرایی و روان‌رنجوری (سلحشور، ۲۰۱۴)؛ باوجود این، سلامت بدن و عوامل محیطی، جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی نباید نادیده گرفته شوند (کرامتی، ۲۰۱۴)؛ رضانی و قلناش^۶ (۲۰۱۵). علاوه بر این، سرگرمی و فعالیت بدنی شادکامی را افزایش می‌دهد (ملکیان، محمدی، فتاحی و صفری^۷، ۲۰۱۵). ارسطو شادکامی واقعی را عبارت از زندگی

5. Sangeeta & Chetan
6. Veenhoven
7. Martin Seligman
8. American Psychology Association

1. Jalo
2. Ramezani & Gholtaash
3. Malekian, Mohammadi Biabri, Fattahi & Safari
4. John Lock

شود (اگان، چان و شورتر، ۲۰۱۴). در پژوهشی که روی ورزشکاران رشته فوتبال انجام شده بود، نتایج نشان داد که متغیر خودشیفتگی به‌طور معناداری در بین ورزشکاران نسبت به غیرورزشکاران وجود دارد (ویلی، المان، استوارت و مکلوئی، ۲۰۰۳). در پژوهشی که در زمینه بررسی خودشیفتگی و باورها در مورد ظاهر بین ورزشکاران رشته غیربرخوردی پرورش اندام انجام شد، نتایج حاکی از وجود تفاوتی معنادار در میزان خودشیفتگی بین آزمودنی‌های گروه‌های ورزشکاران پرورش اندام حرفه‌ای و مبتدی بود؛ ولی میزان باورها در مورد ظاهر در گروه‌های مورد بررسی تفاوت معناداری را نشان نداد (یاوری، ۲۰۱۴).

سرسختی ذهنی^۳ یک ساختار شخصیتی است که کوباسا (۱۹۷۹) آن را به‌عنوان عامل تعدیل‌کننده رابطه بین استرس و بیماری یا به‌عنوان یک سپر محافظ در برابر فشارهای زندگی معرفی کرده است. او با استفاده از نظریه‌های وجودی، سرسختی ذهنی را ترکیبی از باورها در مورد خود و جهان تعریف می‌کند که از سه مؤلفه تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی تشکیل شده است و در عین حال، ساختار واحدی است که از عمل یکپارچه و هماهنگ این سه مؤلفه مرتبط با هم شکل می‌گیرد (کرمی، شریفی و بشلیده، ۲۰۰۹). تعهد، احساس عمیق در آمیختگی با جنبه‌های گوناگون زندگی مانند خانواده، شغل و روابط بین‌فردی است. فرد دارای تعهد ارزش، اهمیت، معنی و هدفمندی زندگی را دریافته است. احساس تعهد نقطه متقابل بیگانگی است (کوباسا، ۱۹۷۹؛ ۱۹۸۲). مفهوم کنترل به این باور مربوط است که رویدادهای زندگی و پیامدهای آن قابل پیش‌بینی و کنترل هستند. فرد دارای احساس کنترل، به تلاش عمل خود بیش از شانس اهمیت می‌دهد و بر این باور است که با تلاش خود می‌تواند بر آنچه در اطراف رخ

مرتبط به آینده شامل خوش‌بینی، امید، اعتماد، ایمان و اعتقاد می‌شوند. رضایتمندی، خشنودی، تحقق غرور و آرامش خاطر هیجان‌های مثبت عمده‌ای هستند که با گذشته پیوند دارند. در طرح مسئله شادی، مراجعه با آمار رفتارهایی که در جامعه بازنمودی از روحیه ناامیدی و بدبینی در میان انسان‌ها هستند، می‌تواند بسیار مورد توجه قرار گیرد. جرائم، خشونت‌ها، پرخاشگری و رفتارهایی از این دست که در غیاب شادی شکل می‌گیرند، از جمله رفتارهایی هستند که آمار آن‌ها در جامعه ایران بالا است و روزبه‌روز جنبه جدیدتری به خود می‌گیرند. در ورزش نیز نمونه‌های فراوانی از آن را می‌بینیم. مقادیر مختلفی از درصد اختلالات روانی‌ای که در جامعه گزارش می‌شود، همگی بر بالا بودن قابل توجه این اختلالات به‌ویژه بالا بودن میزان افسردگی در جامعه اشاره دارد. خشونت و بی‌می که پس از مراسم ذاتاً شادی‌بخش (از جمله فوتبال و مراسم چهارشنبه‌سوری) ابراز می‌شود، نشانی از نبود شادی‌های مداوم و ارضاکنده‌ای است که هر از گاهی آثار خود را نشان می‌دهند. نتایج پژوهش‌ها میزان رضایت افراد از زندگی‌شان را بسیار پایین گزارش می‌کنند. همچنین، آمارها سطح بدبینی و بی‌اعتمادی را در جامعه بسیار بالا گزارش کرده‌اند (معیدفر، ۲۰۰۵) که این بدبینی و بی‌اعتمادی می‌تواند جزو مشخصات سه‌گانه تاریک باشد.

در پژوهشی که به بررسی رابطه سه‌گانه تاریک و ویژگی‌های مثبت شادکامی و به‌زیستی روان‌شناختی پرداخته بود، نشان داد که خودشیفتگی با پایداری هیجانی و ناسازگاری پایین‌تر و برون‌گرایی بالاتر پیش‌بینی شده است. نتایج پژوهش پیشنهاد داد که خودشیفتگی مشکل‌ساز بیشتر باید توسط منابع ارزیابی حالات خلقی مثبت و صفات شخصیتی کلی شناسایی

3. Mental Toughness
4. Kobasa

1. Egan, Chan & Shorter
2. Willie, Elman, Stuart & Mckelvie

می‌دهد، تأثیر بگذارد. احساس کنترل نقطهٔ مقابل ناتوانی است. فرد ناتوان بر این باور است که رویدادهای زندگی با تلاش‌ها و عملکردهای او رابطه‌ای ندارند (کوباسا، ۱۹۸۲). در ادامه، به تعاریف مختلفی از سرسختی ذهنی می‌پردازیم. سرسختی ذهنی یک ساختار روان‌شناختی مرتبط به مدیریت مثبت استرس و بخشی نوینی برای مطالعات پژوهشی است (گوچپاردی و گوردون، ۲۰۱۰) سرسختی ذهنی، از میان عوامل روان‌شناختی، مهم‌ترین ویژگی مؤثر در دستیابی به موفقیت ورزشی در نظر گرفته شده است (شیرد، گلبی و ون‌ورش؛ ۲۰۰۹). طی سال‌های اخیر، سرسختی ذهنی به‌عنوان عامل روانی مهم و تأثیرگذار بر موفقیت ورزشکاران توجه زیادی را به‌خود جلب کرده است؛ باوجوداین، تعریف جامع و یکدستی برای این سازهٔ ذهنی ارائه نشده است. سرسختی ذهنی عبارت است از توانایی مقابله با فشارها و سختی‌ها، عبور از موانع و شکست‌ها، تمرکز بر هدف، حفظ و کسب آرامش پس از شکست، اجرای باثبات در سطوح بالای رقابتی و رقابت‌جویی. سرسختی ذهنی مهارتی است که ورزشکاران را قدرتمند می‌کند و سبب می‌شود در موقعیت‌های دشوار و پرفشار از جمله تمرین، رقابت و پس از رقابت موفق عمل کنند (حاتمی، شاهمیر، ادیب‌پور و طهماسبی؛ ۲۰۱۲). سرسختی عبارت است از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، شناخت‌ها و هیجان‌های عمومی و اختصاصی مربوط به ورزش که ذاتی و اکتسابی هستند و بر چگونگی نزدیک‌شدن، پاسخ‌دهی و ارزیابی فرد از فشارهای مثبت و منفی، چالش‌ها و ناملازمات در مسیر رسیدن به هدف تأثیر می‌گذارند (گوچپاردی و همکاران، ۲۰۰۸). گلدبرگ^۳ (۱۹۹۸) سرسختی ذهنی را مهم‌ترین سرمایهٔ یک

ورزشکار تعریف کرد. تاتو و ریچارد^۴ (۱۹۷۱) تعریف دیگری را ارائه کردند: توانایی یک ورزشکار در پایداری مقابل انتقادهای قوی و جلوگیری از آشفتگی پس از شکست یا عملکرد ضعیف. تیتل بام (۱۹۹۸) سرسختی را توانایی حفظ سطوح بالای فعالیت انگیزشی و اطمینان درمقابل هر چیزی که زندگی به‌سمت شما روانه می‌کند، تعریف کردند (ملالیو و هانتون؛ ۲۰۰۹). جونز و همکارانش اغلب، سرسختی ذهنی را غلبهٔ مؤثر بر فشار و شدت تعریف کرده‌اند؛ به‌طوری‌که اجرا تحت تأثیر موقعیت پرفشار قرار نگیرد. برگشت به حالت اولیه و بازگشت از شکست‌ها در نتیجهٔ افزایش عزم برای موفقیت، مقاومت در برابر شکستن، داشتن اعتماد پایدار به خود در کنترل سرنوشت خویش و نیز داشتن مهارت‌های ذهنی زیاد به‌عنوان عامل ذهنی برای افراد سرسخت بیان شده‌اند (جونز و پالهاوس؛ ۲۰۰۹). تعریف جونز و همکاران دربرگیرندهٔ این ادعا است که ورزشکاران با سرسختی ذهنی طبیعی به محیط ورزش پای می‌گذارند. شناخت این عنصر طبیعی در ورزشکاران جوان و مستعد می‌تواند به رشد و شناخت استعدادهای ورزشی کمک کند و ابتکاری برای شناخت سرسختی ذهنی باشد. پژوهش‌ها مدعی هستند که داشتن سرسختی ذهنی باعث پیروزی (جونز و همکاران، ۲۰۰۷) می‌شود و می‌توان آن را مستقل از رشتهٔ ورزشی تعریف کرد (گوچپاردی، گوردون و دیموک؛ ۲۰۰۵). این مسئله می‌تواند به مربیان در شناخت ورزشکاران دارای سرسختی ذهنی از رشته‌های ورزشی مختلف کمک کند. افزون‌براین، در تعریف جونز ادعا می‌شود که سرسختی ذهنی می‌تواند رشد کند و نقش مهمی برای روان‌شناسان ورزشی و مربیان در مراحل مختلف حرفه‌ای‌شان داشته باشد.

4. Tutko & Richards
5. Mellalieu & Hanton
6. Jones & Paulhus
7. Gucciardi, Gordon & Dimmock

1. Sheard, Golby & Van Wersch
2. Hatami, Hatami Shahmir, Adibpur & Tahmasebi
3. Goldberg

با توجه به مطالعات، سرسختی ذهنی با دسته وسیعی از رفتارهای مثبت از جمله راهبردهای درست برای دستیابی به اهداف، موزی با باور قوی به شخص و توانایی او و فعالیت بدنی بالا مرتبط است؛ اگرچه پژوهش‌های قبلی در مورد سرسختی ذهنی، با موفقیت در ورزش و بهزیستی روان‌شناختی ارتباط مستقیمی داشته‌اند (گاربریا، ۲۰۱۱) برخی از پژوهشگران نتایج متفاوتی نشان از ناکارآمدی آن را شناسایی کرده‌اند (برند، کالاک، کلاف، لموا و همکاران؛ ۲۰۱۴) (این نتایج به نام بخش تاریخ سرسختی ذهنی نام برده می‌شوند). در اینجا، کلمه «تاریخ» مخاطب را گمراه می‌کند و ترجمه بهتر برای آن می‌تواند معایبی داشته باشد. به‌طور ویژه، ورزشکاران با شدت سرسختی ذهنی بالا به‌نظر می‌رسد که در معرض خطر بیشتر نادیده‌گرفتن مشاوره‌های پزشکی و صرف‌نظر از توان بخشی هستند؛ برای مثال، کالتر و همکاران (۲۰۱۰) پیشنهاد دادند که توجه بیشتری به ورزشکارانی شود که از نظر ذهنی سرسخت هستند و ممکن است بیش‌ازحد به تیم، متعهد باشند و به‌دنبال پیروزی باشند و مشاوره‌های پزشکی را درباره آسیب‌های عمده رد کنند.

با توجه به این پژوهش‌ها، ما استنباط کردیم ورزشکارانی که از نظر ذهنی سرسخت هستند، ممکن است به اهداف خود متعهد باشند؛ در صورتی که به معایب و اثرهای جانبی بی‌اعتنایی می‌کنند. این افراد ممکن است امتیاز بالایی در ماکیاویلیانیسم کسب کنند؛ براین اساس، یک هدف از مطالعه حاضر، بررسی ارتباط ممکن بین ورزش و صفات سه‌گانه تاریخ بود. برای رسیدن به این هدف، نویسندگان ورزشکاران رشته‌های برخوردی و غیربرخوردی و غیرورزشکاران را بررسی کردند.

در پژوهشی دیگر که در زمینه صفات سه‌گانه تاریخ در ارتباط با سرسختی ذهنی و فعالیت بدنی در جوانان انجام گرفت، نتایج حاکی از وجود ارتباط معنادار تمام صفات سه‌گانه تاریخ با سرسختی ذهنی بود. امتیاز بالای ماکیاویلیانیسم، خودشیفتگی و سه‌گانه و سرسختی، با امتیاز بالای فعالیت بدنی شدید در ارتباط بودند. پیاده‌روی به‌طور مثبت و معنادار با ضدا اجتماعی در ارتباط بود (صبوری و همکاران، ۲۰۱۶).

مقیاس‌های مطرح‌شده سه‌گانه تاریخ شخصیتی ابعاد ناپسندی دارند که رفتارهای مخرب اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. مربیان و روان‌شناسان ورزشی برای پیش‌بینی رفتارهای ورزشکاران از نتایج پژوهش حاضر می‌توانند بهره ببرند؛ برای مثال، ورزشکارانی که برای رسیدن به پیروزی به هر کار غیراخلاقی دست می‌زنند، در صورت شناسایی این افراد می‌توانیم این رفتار را در آن‌ها اصلاح کنیم. با توجه به وقوع حوادثی چون ضرب‌وجرح و قتل‌های غیرعمد در حوزه ورزش کشور در چند سال گذشته، گسترش فرهنگ پهلوانی و ایجاد تغییرات لازم در برخی رشته‌ها با توجه به فرهنگ و نیازهای جامعه کنونی می‌تواند تأثیر بسزایی بر کاهش جرائم حوزه ورزش داشته باشد. صفات سه‌گانه تاریخ احتمالاً صفاتی شخصیتی هستند که در این افراد وجود دارند و ما به‌عنوان روان‌شناس ورزشی اگر بتوانیم این افراد را شناسایی کنیم، درجهت گسترش فرهنگ پهلوانی گام بزرگی برداشته‌ایم. بیشترین جرائم در صنف ورزش مربوط به جرائم فیزیکی است. ورزش زمینه‌ساز نوعی اعتمادبه‌نفس است که در صورت توجه‌نکردن به منش پهلوانی و اصول اخلاقی، این اعتمادبه‌نفس می‌تواند با ایجاد غرور موجب تغییر مسیر تعالی ورزشکاران شود (وزارت ورزش و جوانان، اداره کل استان چهارمحال و بختیاری، ۲۰۱۷).

ورزشی و تجربه حضور در مسابقات (افرادى که سابقه حضور در گروه شهرستان، استان و ملی داشتند، با حداقل ۳ دوره حضور) به روش کل شمار انتخاب شدند که در انتها ۹۳ ورزشکار (۴۸ زن و ۴۵ مرد) رشته بر خوردی و ۹۶ ورزشکار (۴۷ زن و ۴۹ مرد) رشته غیر بر خوردی در این پژوهش شرکت کردند، همچنین ۱۰۰ غیر ورزشکار به صورت نمونه‌گیری در دسترس برای این پژوهش انتخاب شدند که در آخر ۹۱ زن و مرد غیر ورزشکار (۴۵ مرد و ۴۶ زن) پرسش‌نامه را تکمیل کردند. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در آزمون از قبیل سن، جنسیت، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل و سابقه حضور در رشته ورزشی جمع‌آوری گردید. رنج سنی موردنظر بین ۱۸ تا ۳۶ سال در نظر گرفته شده بود (جدول ۲).

ابزار و شیوه گردآوری داده‌ها

در شروع کار، ابتدا اطلاعات موردنیاز برای آگاهی شرکت‌کنندگان درباره پژوهش در اختیار ورزشکاران قرار گرفت، سپس به تمام شرکت‌کنندگان این اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محفوظ خواهد ماند، ورزشکاران با رضایت کامل، علاقه خود، برای حضور در پژوهش را اعلام کردند. لینک پرسشنامه آنلاین بر اساس سه پرسشنامه استاندارد پژوهش طراحی شد و توسط فدراسیون تکواندو و ژیمناستیک برای ورزشکاران و توسط نویسندگان برای غیر ورزشکاران فرستاده شد، پرسشنامه آنلاین توسط ورزشکاران و غیرورزشکاران تکمیل شد و به حساب کاربری نویسندگان ارسال شد.

شرکت‌کنندگان در پژوهش، مجموعه‌ای از پرسشنامه‌های استاندارد را به شرح ذیل تکمیل کردند:

از آنجایی که در سال‌های اخیر، افزایش چشمگیری در تعداد مطالعاتی که به بررسی کارآمدی این صفات پرداخته‌اند، وجود داشته است (فارنهام، ریچارد و پاولهاوس، ۲۰۱۳)، سه‌گانه تاریک موضوعی جذاب، تأثیرگذار و پرخواننده است. مطالعات بسیار کمی در زمینه بررسی رابطه سه‌گانه تاریک بر سرسختی ذهنی و شادکامی ورزشکاران انجام شده‌اند. با توجه به مطالب ذکر شده و آنچه به‌عنوان ضرورت این پژوهش باید ذکر کرد، ذکر چند موضوع مهم به‌نظر می‌رسد. اول از همه، معرفی سه‌گانه تاریک شخصیتی به جامعه روان‌شناسی ورزش به‌عنوان سازه‌های شخصیتی که هر کدام مستقل از دیگری، اما مرتبط با یکدیگر هستند. دوم، بررسی ارتباط سه‌گانه تاریک با سرسختی ذهنی و شادکامی است. امید است که این پژوهش بر خط پژوهشی روان‌شناسان ورزش و کارشناسان ورزشی تأثیری مثبت داشته باشد.

فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

۱. سه‌گانه تاریک شخصیتی با سرسختی ذهنی ورزشکاران بر خوردی و غیربر خوردی و غیرورزشکاران ارتباط دارد.
۲. سه‌گانه تاریک شخصیتی با شادکامی ورزشکاران بر خوردی و غیربر خوردی و غیرورزشکاران ارتباط دارد.
۳. سرسختی ذهنی با شادکامی ورزشکاران بر خوردی و غیربر خوردی و غیرورزشکاران ارتباط دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-همبستگی انجام شد.

شرکت‌کنندگان

تعداد ۱۰۰ ورزشکار رشته تکواندو (بر خوردی) و ۱۰۰ ورزشکار رشته ژیمناستیک (غیربر خوردی) با همکاری فدراسیون برای شرکت در این پژوهش براساس سابقه

الف- پرسش‌نامه شخصیت تاریک

دو ابزار محبوب برای ارزشیابی سه‌گانه تاریک وجود دارند (پالهاوس و جونز، ۲۰۱۴) که عبارت‌اند از: مقیاس سه‌گانه تاریک کوتاه^۲ و پرسش‌نامه سه‌گانه تاریک^۳ (جانسون و وبستر، ۲۰۱۰) که پرسش‌نامه سه‌گانه تاریک جانسون و وبستر برای این پژوهش انتخاب شد. این پرسش‌نامه ۱۲ گویه دارد که به صورت (اصلاً مرا توصیف نمی‌کند = ۱) تا (کاملاً مرا توصیف می‌کند = ۳) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسش‌نامه یک مقیاس خودگزارشی سه‌عاملی است که شامل ماکیاولیستی (چهار گویه)، خودشیفتگی (چهار گویه) و ضداجتماعی (چهار گویه) است. افزون‌براین، گویه هفت به صورت معکوس نمره‌گذاری شده است. هدف این پرسش‌نامه ارزیابی صفات خودشیفتگی، ماکیاولیانیسم و ضداجتماعی است. در پژوهش قمرانی و همکاران (۲۰۱۵)، روایی و پایایی این پرسش‌نامه با ضرایب آلفای کربواخ برای خرده‌مقیاس ماکیاولیستی، خرده‌مقیاس خودشیفتگی، خرده‌مقیاس ضداجتماعی و کل مقیاس به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۶۸، ۴۰ و ۸۱ به دست آمد و روایی پرسش‌نامه ذکر شده مطلوب گزارش شده است.

ب- پرسش‌نامه سرسختی ذهنی^۵: این

پرسش‌نامه دارای ۲۰ گویه است و براساس مقیاس لیکرتی (هرگز (پنج)، به ندرت (چهار)، تا حدودی (سه)، گاهی اوقات (دو) و اغلب اوقات (یک) است و هدف آن ارزیابی میزان سرسختی (تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی)^۶ می‌باشد. سرسختی روان‌شناختی ساختاری شخصیتی است که کوباسا (۱۹۷۹) آن را به‌عنوان عامل

تعدیل‌کننده رابطه بین استرس و بیماری یا به‌عنوان سپر محافظ در برابر فشارهای زندگی معرفی کرده است. او با استفاده از نظریه‌های وجودی، سرسختی را ترکیبی از باورها در مورد خود و جهان تعریف می‌کند که از سه مؤلفه تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی تشکیل شده است و در عین حال، ساختار واحدی است که از عمل یکپارچه و هماهنگ این سه مؤلفه مرتبط با هم شکل می‌گیرد (کریمی، شریفی و بشلیده، ۲۰۰۹). روایی و پایایی این پرسش‌نامه در پژوهش کریمی و همکاران (۲۰۰۹) با ضرایب همبستگی به دست‌آمده بین دو مقیاس بیانگر اعتبار مقیاس سرسختی برای سنجش سازه سرسختی و مؤلفه‌های آن است.

ج- پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد^۷ (آرجیل، مارتین و کراسلند، ۱۹۸۹). این پرسش‌نامه دارای ۲۹ گویه است. هر گویه چهار عبارت دارد که عبارت اول نمره صفر، عبارت دوم نمره یک، عبارت سوم نمره دو و عبارت چهارم نمره سه می‌گیرد. در نهایت، فرد نمره‌ای بین صفر تا ۸۷ به دست می‌آورد که نمره بالاتر نشانه شادکامی بیشتر است. آرجیل و لو^۸ (۱۹۹۸) ضریب آلفای ۹۰ درصد را با ۳۴۷ آزمودنی، فانهایم و پروینیک (۱۹۹۹) ضریب آلفای ۸۷ درصد را با ۱۰۱ آزمودنی و نوری (۲۰۰۲) آلفای کرونباخ ۸۴ درصد را با ۱۸۰ آزمودنی به دست آورده‌اند.

روش پردازش داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از فن مدل‌سازی معادلات ساختاری^۹ با رویکرد حداقل مربعات جزئی^{۱۰} و با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس^{۱۱} و آزمون ناپارامتری بوت‌استرپ^{۱۲} با ۵۰۰ تکرار برای برآورد خطاهای

7. Oxford Happiness Questionnaire
8. Argyle, Martin & Crossland
9. SEM
10. Squares Partial Least
11. Smart PLS
12. Bootstrap

1. Paulhus & Jons
2. Short Dark Triad (SD3)
3. Dirty Dozen
4. Johnson & Webster
5. Mental Toughness Questionnaire
6. Commitment, Control, Copmpetitive

استاندارد، آزمون فرضیه‌ها و بررسی مدل پژوهش بهره گرفته شده است. این روش بهترین ابزار برای تحلیل پژوهش‌هایی است که در آن‌ها حجم نمونه‌ها اندک است و توزیع داده‌ها غیرطبیعی است.

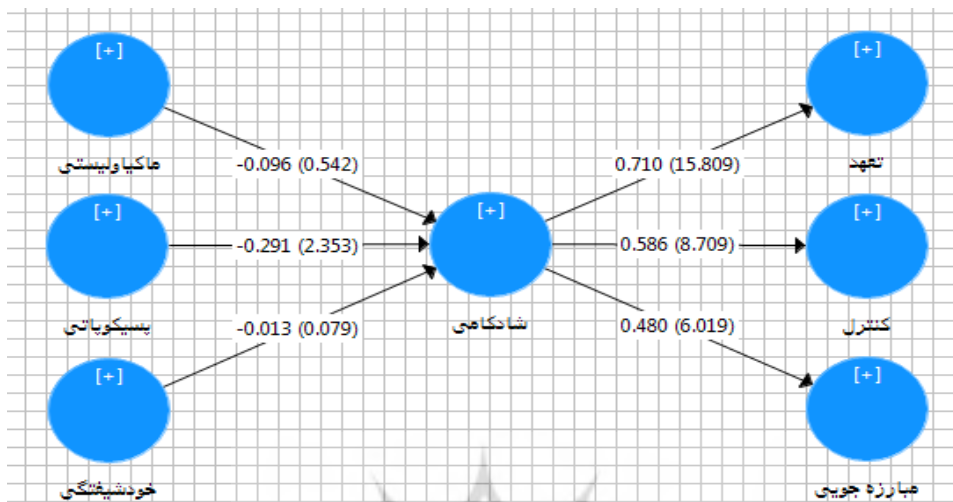
یافته‌ها

سن نمونه‌ها در ورزش برخورداری برابر با 26 ± 4 ، غیربرخوردی برابر با 26 ± 3 و در غیرورزشکاران برابر با 28 ± 4 بود. سابقه ورزشی نمونه‌ها در ورزش‌های برخورداری برابر با 2 ± 2 و غیربرخوردی برابر با 7 ± 2 بود. تحصیلات ورزشکاران رشته برخورداری ۱۷/۲ درصد (۱۶ نفر: نه زن و هفت مرد) دیپلم، ۱۸/۳ درصد (۱۷ نفر: نه زن و هشت مرد) کاردانی، ۴۵/۲ درصد (۴۲ نفر: ۲۲ زن و ۲۰ مرد) کارشناسی، ۱۵/۱ درصد (۱۴ نفر: ۱۰ زن و ۴ مرد) کارشناسی‌ارشد و ۴/۲ درصد (چهار نفر: دو زن و دو مرد) دکتری بود. در ورزشکاران غیربرخوردی، ۳۰/۲ درصد (۲۹ نفر: نوزده زن و ۱۰ مرد) دیپلم، ۲/۱ درصد (دو مرد) کاردانی، ۴۷/۹ درصد (۴۶ نفر: ۲۲ زن و ۲۴ مرد) کارشناسی و ۱۹/۸ درصد (۱۹ نفر: ۱۰ زن و نه مرد) کارشناسی‌ارشد داشتند. تحصیلات غیرورزشکاران به صورت ۲۳/۱ درصد (بیست و یک نفر: پانزده زن و شش مرد) دیپلم، ۱۳/۲ درصد (۱۲ نفر: ۶ زن و ۶ مرد) کاردانی، ۴۵/۱ درصد (۴۱ نفر: ۱۸ زن و بیست و سه مرد) کارشناسی و ۱۸/۷ درصد (هفده نفر: نه زن و ۱۰ مرد) کارشناسی‌ارشد بود. تمام این موارد در جدول شماره دو ارائه شده‌اند. نتایج پژوهش در دو جنسیت مرد و زن یکسان بود. اثر ماکیاولیستی بر شادکامی در زنان و مردان ورزشکار برخورداری، غیرمعدار ($t = \beta, 54/0 = -0/09$)، در زنان و مردان ورزشکار غیربرخوردی، معکوس و معدار ($t = \beta, 93/2 = -0/24$) و در غیرورزشکاران، غیرمعدار ($t = \beta, 08/1 = -0/17$) است.

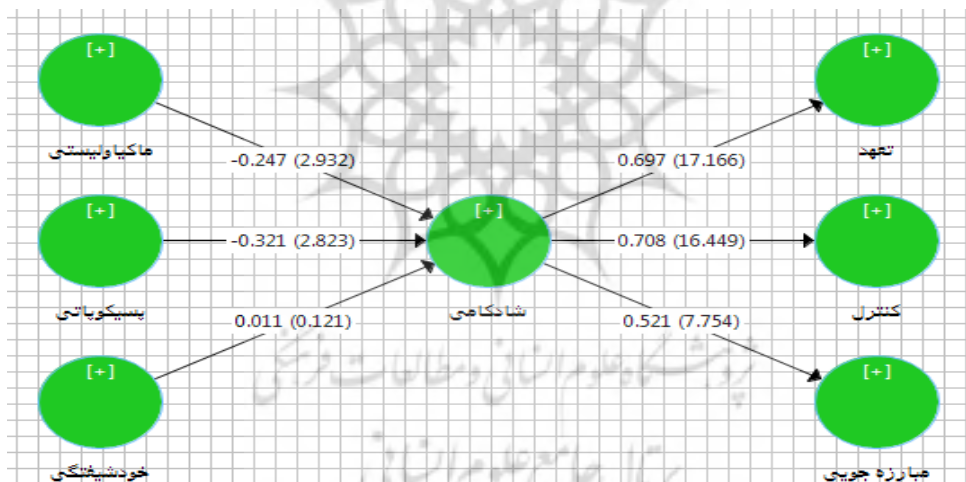
ضداجتماعی بر شادکامی در ورزشکاران مرد و زن برخورداری ($t = \beta, 35/2 = -0/29$)، در ورزشکاران زن و مرد غیربرخوردی ($t = \beta, 82/2 = -0/32$) و در غیرورزشکاران زن و مرد ($t = \beta, 09/3 = -0/31$) اثر معکوس و معناداری دارد و براساس میزان ضریب مسیر β ، این اثر در ورزشکاران غیربرخوردی بیشتر و در ورزشکاران برخورداری کمتر است.

خودشیفتگی بر شادکامی در ورزشکاران زن و مرد برخورداری ($t = \beta, 07/0 = -0/01$)، در ورزشکاران زن و مرد غیربرخوردی ($t = \beta, 12/0 = -0/01$) و در غیرورزشکاران زن و مرد ($t = \beta, 41/0 = -0/08$) اثر معکوس و غیرمعداری دارد. شادکامی بر تعهد در ورزشکاران مرد و زن برخورداری ($t = \beta, 80/15 = 0/71$)، در ورزشکاران غیربرخوردی زن و مرد ($\beta = 0/70$)، $t = 17/17$ و در غیرورزشکاران زن و مرد ($\beta = 0/77$)، $t = 19/12$ اثر معناداری دارد؛ اما براساس میزان ضریب مسیر β ، این اثر در غیرورزشکاران بیشتر و در ورزشکاران برخورداری کمتر است. شادکامی بر کنترل در ورزشکاران برخورداری ($t = \beta, 70/8 = 0/59$)، در ورزشکاران غیربرخوردی ($t = \beta, 45/16 = 0/71$) و در غیرورزشکاران ($t = \beta, 0/52 = 0/71$) اثر معناداری دارد؛ اما براساس میزان ضریب مسیر β ، این اثر در ورزشکاران غیربرخوردی بیشتر و در غیرورزشکاران کمتر است.

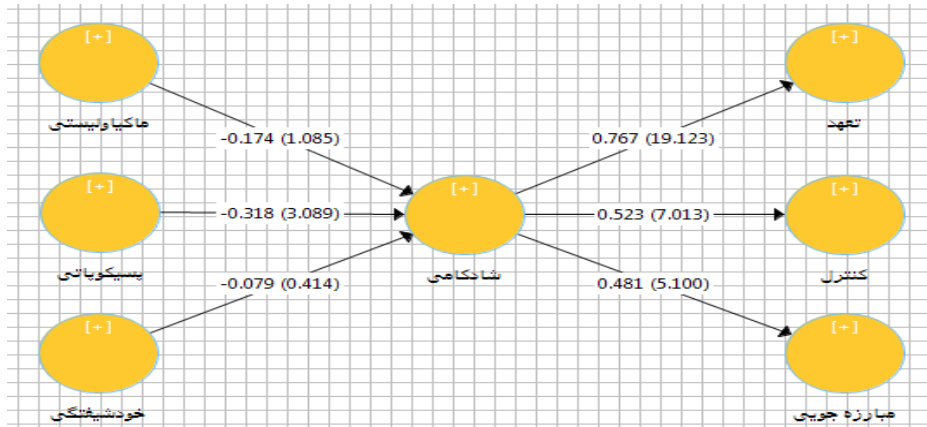
شادکامی بر مبارزه‌جویی در ورزشکاران برخورداری ($t = \beta, 0/48 = 0/61$)، در ورزشکاران غیربرخوردی ($t = \beta, 0/52 = 0/75$) و در غیرورزشکاران ($t = \beta, 0/48 = 0/52$) اثر معناداری دارد؛ اما براساس میزان ضریب مسیر β ، این اثر در ورزشکاران غیربرخوردی بیشتر و در ورزشکاران برخورداری و غیرورزشکاران (به یک‌میزان) کمتر است.



شکل ۱. مدل آزمون‌شده پژوهش برای ورزشکاران برخوردار در حالت تخمین استاندارد و معناداری



شکل ۲. مدل آزمون‌شده پژوهش برای ورزشکاران غیربرخوردی در حالت تخمین استاندارد و معناداری



شکل ۳. مدل آزمون شده پژوهش برای غیرورزشکاران در حالت تخمین استاندارد و معناداری

جدول ۱. اثر متغیرهای پیش‌بین بر متغیرهای ملاک پژوهش

متغیر	ورزشکاران بر خوردی		ورزشکاران غیربر خوردی		غیرورزشکاران	
	آماره تی	بتا	آماره تی	بتا	آماره تی	بتا
ماکیاولیستی بر شادکامی	۰/۵۴	-۰/۰۹	۲/۹۳*	-۰/۲۴	۱/۰۸	-۰/۱۷
ضدا اجتماعی بر شادکامی	۲/۳۵*	-۰/۲۹	۲/۸۲*	-۰/۲۲	۳/۰۹*	-۰/۳۱
خودشیفتگی بر شادکامی	۰/۰۷	-۰/۰۱	۰/۱۲	-۰/۰۱	۰/۴۱	-۰/۰۸
شادکامی بر تعهد	۱۵/۸۰*	۰/۷۱	۱۷/۱۷*	۰/۷۰	۱۹/۱۲*	۰/۷۷
شادکامی بر کنترل	۸/۷۰*	-۰/۵۹	۱۶/۴۵*	۰/۷۱	۷/۰۱*	-۰/۵۲
شادکامی بر مبارزه‌جویی	۶/۰۱*	۰/۴۸	۷/۷۵*	۰/۵۲	۵/۱۰*	۰/۴۸

$-1/96 \leq t \text{ value} \leq +1/96 = *$ معنادار

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی

جنسیت	سن	سابقه ورزشی	دیپلم	کارדانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتري
ورزشکاران بر خوردی	۴±۲۶	۲±۶	۱۶ نفر	۱۷ نفر	۲۲ نفر	۱۴ نفر	۴ نفر
ورزشکاران غیربر خوردی	۳±۲۶	۲±۷	۲۹ نفر	۲ نفر	۴۶ نفر	۱۹ نفر	۰
غیرورزشکاران	۴±۲۸	۰	۲۱ نفر	۱۲ نفر	۴۱ نفر	۱۷ نفر	۰

1. Psychopathy

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط سه‌گانه تاریک شخصیتی با سرسختی ذهنی و شادکامی در ورزشکاران رشته‌های برخوردی، غیربرخوردی و غیرورزشکاران انجام شد. در این پژوهش مشاهده شد که مؤلفه خودشیفتگی از سه‌گانه تاریک شخصیتی هیچ اثر معناداری بر شادکامی ورزشکاران رشته‌های برخوردی، غیربرخوردی و غیرورزشکاران ندارد؛ اما دیده شد که رفتار ماکیاولیستی در ورزشکاران رشته‌های غیربرخوردی اثر معنادار و معکوسی بر شادکامی داشت؛ البته اثر معناداری بر ورزشکاران رشته‌های برخوردی و غیرورزشکاران دیده نشد. همان‌طور که در ادبیات آمده است، افراد ماکیاولیست واقع‌بین و مادی، جدی و آن‌گونه سخت‌گیر هستند که اگر تکالیف دینی، اخلاقی و احساسات سد راه آن‌ها شوند، از آن‌ها صرف‌نظر می‌کنند و هدفی جز رسیدن به مقصود ندارند (کریستی و گیس، ۱۹۷۰). این نتیجه نشان می‌دهد که ورزشکاران غیربرخوردی نسبت به غیرورزشکاران و حتی ورزشکاران برخوردی از این قاعده مبرا هستند؛ زیرا، اثر معکوسی مشاهده شد؛ بدین‌معنی که در راه رسیدن به پیروزی یا شادکامی ورزشی، خود به‌عنوان هدف به هر وسیله‌ای دست نمی‌یازند؛ به‌طوری که در تأیید این نتیجه، اثر معنادار و مثبت شادکامی بر سه مؤلفه اساسی سرسختی ذهنی؛ یعنی تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی مشاهده شد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این مهارت ورزشکار را در موقعیت‌های دشوار و پرفشار تمرین، رقابت و پس از رقابت برای رسیدن به موفقیت قدرتمند می‌کند (حاتمی، شه‌میر، ادیب‌پور و طهماسبی، ۲۰۱۲). سرسختی ذهنی مهم‌ترین سرمایه

یک ورزشکار است (گلدبرگ، ۱۹۹۸)؛ زیرا، در ورزشکاران تعهد تقویت می‌شود؛ یعنی ارزش و هدفمندی زندگی درک می‌شود و از بیگانگی فاصله گرفته می‌شود (کوباسا، ۱۹۷۹؛ ۱۹۸۲). از طرفی، ورزشکار می‌داند با تلاش و عمل خود و نه با تکیه بر شانس می‌تواند آنچه را که در اطرافش رخ می‌دهد، تحت‌تأثیر قرار دهد و بر آن کنترل داشته باشد (کوباسا، ۱۹۸۲). افزون‌براین، ورزش با تقویت حس مبارزه‌طلبی سبب می‌شود تا فرد مبارزه‌جو تغییر را با آغوش باز بپذیرد و آن را نوعی چالش تلقی کند. به این توانایی کنترل، تغییر و تنظیم هیجان، برانگیختگی و تمایلات، خودتنظیم‌گری می‌گویند (تورینگ، گمسر، جوردت و وسچر، ۲۰۰۹)؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد که ورزشکاران برای رسیدن به هدف به رفتارهای ماکیاولیستی نیاز ندارند؛ اگرچه در بعضی موارد نیز برخلاف پژوهش حاضر، گزارش شده است که ورزشکاران حین اجرای مهارت ورزشی زیرفشار روانی بالا در جو رقابتی، دچار انسداد زیرفشار^۳ می‌شوند که این فرایند شکست خودتنظیم‌گری^۴ نامیده می‌شود (بشارت، قهرمانی و گیوی، ۲۰۱۴).

اینکه چرا میان ورزشکاران رشته‌های غیربرخوردی و برخوردی تفاوت وجود دارد، می‌تواند توسط موضوع خوشحالی از حس بد دیگران^۵ در این ورزشکاران بررسی شود. پژوهشی نشان داد که افراد از بدبختی یا حس بد دیگران احساس شادکامی می‌کنند. شادی بعد از حس بد دیگران یا آسیب دیگران را ممکن است بتوان به شادکامی نسبت داد (یونگ، ۲۰۱۶). در ورزش این شادکامی احتمالاً از آسیب حریف یا شکست یا حضورنداشتن حریف در میدان نبرد نشئت می‌گیرد.

4. Self-Regulation Failure
5. Schadenfreude
6. Young

1. Goldberg
2. Toering, Elferink Gemser, Jordet & Visscher
3. Choked Under Pressure

از طرفی، وین لیچ و همکاران^۱ (۲۰۰۳) نشان دادند که خوشحالی از حس بد دیگران با صفات سه‌گانه تاریک در ارتباط مستقیم است؛ به طوری که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که اثر رفتار ضداجتماعی (جامعه‌ستیزی) بر شادکامی هر سه گروه ورزشکاران رشته‌های بر خوردی، غیربر خوردی و غیرورزشکاران، معنادار و معکوس بود که نتیجه قابل توجهی است و حتی اثر این سازه بر ورزشکاران غیربر خوردی از بر خوردی بیشتر بود که باز هم مؤید گفته‌های قبلی است. در پژوهشی نتایج نشان داد که سطح تکانشوری در ورزشکاران رشته‌های بر خوردی از ورزشکاران غیربر خوردی بیشتر است (بشارت، قهرمانی و گیوی، ۲۰۱۴)؛ زیرا، در ورزش‌های بر خوردی، ورزشکاران برای گرفتن امتیاز و غلبه بر حریف به مبارزه تن‌به‌تن می‌پردازند. در پژوهشی گزارش شد که سرسختی ذهنی ورزشکاران رشته‌های بر خوردی از غیربر خوردی به طور معناداری بیشتر است (متشرعی، فرخی و کاشانی، ۲۰۱۶).

در راستای نتایج این پژوهش، گزارشی عنوان کرد که انعطاف‌پذیری و سرسختی ذهنی بالا با افزایش توانایی افراد و شادکامی در برابر فرسودگی شغلی همراه است (حسینی، مهدوی، هاشمی و عباسی، ۲۰۱۵). پژوهشی دیگر نشان داد که بین مثبت‌نگری با سخت‌رویی و شادکامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و افراد سخت‌رو از میزان شادکامی بیشتری برخوردارند (قمرانی و همکاران، ۲۰۱۵). سه‌گانه تاریک شخصیت یکی از نظریه‌هایی است که پژوهشگران علوم رفتاری توجه نسبتاً چشمگیری به آن دارند (آقابابایی و بلاچینو، ۲۰۱۵). این نظریه مبین این است که سه ویژگی شخصیتی خودشیفتگی، ماکیاولیانیسم و ضداجتماعی، به لحاظ اجتماعی دارای ابعاد ناپسند و غیراخلاقی هستند و می‌توانند رفتارهای

مخرب اجتماعی را پیش‌بینی کنند. کنارهم‌قرار گرفتن هم‌زمان این ویژگی‌ها دید کامل‌تری از انگیزه‌ها و هیجان‌های مرتبط با رفتارهای مخرب ارائه می‌دهد (عطاری و چگینی، ۲۰۱۶). زمانی می‌توان با عوارض و نشانه‌های سه‌گانه تاریک کنار آمد که آن را شناخت و بهتر آن را درک کرد؛ اگرچه متأسفانه، جوامع کنونی خاستگاه و زادگاه چنین تیپ‌های هنجارشکنی شده‌اند؛ افرادی که به صورت انواع گونه‌های فراکلینیکی در بطن اجتماع زندگی می‌کنند و آنان را همه‌جا در اداره‌ها، مدارس و اجتماع‌های مختلف می‌توان یافت که به زندگی عادی خود ادامه می‌دهند (گلمن، ۲۰۰۶)؛ اما با توجه به پژوهش حاضر، شرکت در ورزش و درصدر آن ورزش‌های غیربر خوردی می‌تواند با اثرگذاری و تقویت عواملی مانند تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی به پیش‌بینی این ابعاد ناپسند و رفتارهای مخرب کمک کند.

با وجود یافته‌های موردتوجه پژوهش حاضر، این یافته‌ها را نباید تعمیم بیش‌ازحد داد و در این باره محدودیت‌های بسیاری وجود دارند. ارزیابی کارشناسان و داده‌های هدف اعتبار الگوی کنونی نتایج را افزایش می‌دهد. تا قبل از انجام این پژوهش، نویسندگان مطالعه حاضر مطالعات گسترده‌ای در زمینه سازه سه‌گانه تاریک در منابع داخلی و خارجی انجام دادند؛ اما پژوهش‌های بسیار کمی در زمینه ورزش انجام شده است. پژوهش حاضر پژوهش نوینی است که با روش مدل‌یابی به بررسی اثر صفات سه‌گانه تاریک با سرسختی ذهنی و شادکامی در ورزشکاران رشته‌های بر خوردی، غیربر خوردی و غیرورزشکاران پرداخته است.

تقدیر و تشکر

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همکاری تمام ورزشکاران و غیرورزشکاران شرکت‌کننده در این پژوهش تشکر و قدردانی کنند. امید است این عزیزان همواره و در همه‌جا پیروز و شادمان باشند.

منابع

1. Abdollahi, A., Abu Talib, M., Yacob, S. N., & Ismail, Z. (2014). Hardiness as a mediator between perceived stress and happiness in nurses. *Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing*, 21(9), 789-796.
2. Aghababaei, N., & Blachnio, A. (2015). Well-being and the dark triad. *Personality and Individual Differences*, 86, 365-368.
3. Altman, T. (2017). Structure, validity, and development of a brief version of the narcissistic inventory-revised and its relation to current measures of vulnerable and grandiose narcissism. *Personality and Individual Differences*, 104, 207-214.
4. Atari, M., & Chegeni, R. (2016). Assessment of dark personalities in Iran: Psychometric evaluation of the Farsi translation of the Short Dark Triad (SD3-F). *Personality and Individual Difference*, 102: 111-117.
5. Atari, M., & Chegeni, R. (2016). Dark but not black: A reply to Zarei, Ghorbani, and Gharibi. *Germination of Psychology*, 5(15). (In Persian).
6. Argyle, M., Martin, M., & Crossland, J. (1989). Happiness as a function of personality and social encounters. *Recent Advances in Social Psychology*, 10(5)189-203. North-Holland: Elsevier Science Publishers B.V.
7. Argyle, M. (1987). *The psychology of happiness*. London, UK: Methuen.
8. Besharat, M., Ghahremani, M., & Givi, B. (2014). The role of self-regulation and impulsivity prediction in sport achievement: The comparison of contact and non-contact sports. *Motor Behavior Journal*, 18, 131-146. (In Persian).
9. Brand, S., Kalak, N., Gerber, M., Clough, P. J., Lemola, S., Puhse, U., & Holsboer-Trachsler, E. (2016). During early and mid-adolescence, greater mental toughness is related to increased sleep quality and quality of life. *Journal of Health Psychology*, 21 (6): 905-15.
10. Baughman, H. M., Dearing, S., Giammarco, E. E., & Vernon, P. A. (2012). Relationships between bullying behaviors and the dark triad: A study with adults. *Personality and Individual Differences*, 52, 571-575.
11. Carton, H., & Egan, V. (2016). The dark triad and intimate partner violence. *Personality and Individual Differences*, 105(4): 84-88.
12. Coulter, T. J., Mallett, C. J., & Gucciardi, D. F. (2010). Understanding mental toughness in Australian soccer: Perceptions of players, parents, and coaches. *Journal of Sports Science*, 28(7), 699-716.
13. Christie, R., & Geis, F. (1970). *Studies in Machiavellianism*. New York: Academic Press.
14. Carlson, E. N., Vazire, S., & Oltmanns, T. F. (2011). You probably think this paper's about you: Narcissists' perceptions of their personality and reputation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101(1), 185-201., *Journal of Personality and Social Psychology*, 101(1), 185-201.285.
15. Egan, V., Chan, S., & Shorter, G. W. (2014). The Dark Triad, happiness and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 67(17-22).
16. Furnham, A., Richards, S. C., & Paulhus, D. L. (2013) the dark triad of personality: A 10-year review. *Social and Personality Psychology Compass*, 7, 199-216.
17. Ghorbani, N., Watson, P. J., Hamzavy, F., & Weathington, B. L. (2010). Self-knowledge and narcissism in Iranians: Relationships with empathy and self-esteem. *Current Psychology*, 29(2), 135-143.

18. Ghomrani, A., Samadi, M., Taghinejad, M., & Shamsi, A. (2015). The study of the validity and reliability of dark personality scale in students. *Journal of Psychological Models and Methods*, 6(20), 112-118. (In Persian).
19. Gucciardi, D. F., Gordon, S., & Dimmock, J. A. (2008). Towards an understanding of mental toughness in Australian football. *Journal of Applied Sport Psychology*, 20, 261-281
20. Goleman, D. (2006). Emotional intelligence: The new science of human relationships, dark triad chapter (Gh. Khanghaei, Translator). Tehran: Noandish. (In Persian).
21. Hatami, F., Hatami Shahmir, E., Adibpur, N., & Tahmasebi, F. (2012). The relationships between mental toughness and physical fitness in female students. *Sport Psychology Researches*, 2, 53-64. (In Persian).
22. Hoseini, J., Mahdavi Nesyani, Z., Hashemi, Sh., & Abbasi, Sh. (2015). Examining the relationship of cognitive flexibility and mental toughness with happiness and job exhaustion among family provider employed women. *Sport Psychology Researches*. 3(4): 56-65 (In Persian).
23. Jung, K. (2016). Happiness as an additional antecedent of schadenfreude. *The Journal of Positive Psychology*. 1(2): 186-196.
24. Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2011). The role of impulsivity in the dark triad of personality. *Personality and Individual Differences*, 51, 679-682.
25. Figueredo, A. J. (2013). The core of darkness: Uncovering the heart of the dark triad. *European Journal of Personality*, 27, 521-531.
26. Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2009). Machiavellianism. In M. R. Leary, & R. H. Hoyle (Eds), *Handbook of Individual differences in social behavior* (pp. 93-108). New York: Guilford.
27. Jonason, P. K., Lyons, M., Bethell, E. J., & Ross, R. (2013). Different routes to limited empathy in the sexes: Examining the links between the dark triad and empathy. *Personality and Individual Differences*, 54(5), 572-576.
28. Jonason, P. K., & Webster, G. D. (2010). The dirty dozen: A concise measure of the dark triad. *Psychological Assessment*, 22(2), 420-432.
29. Jalloh, A. (2014). Measuring happiness: Examining definitions and instruments. *A Student Journal of Park & Recreation Administration*, 12(1), 5-67.
30. Karami, J., Sharifi, Kh. & Bashldeh, K. (2009). Examining the relationship of family performance with psychological mental toughness in high school students of Kermanshah city. *The Journal of Psychological Discoveries*. 4(16), 167-188.
31. Keramati, M. R. (2014). A comparison of health-related quality of life and job satisfaction in physically active and sedentary faculty members. *International Journal of Applied Sciences*, 1(2), 68-77.
32. Kobasa, S.C. (1982) the Hardy Personality: Toward a Social Psychology of Stress and Health. In: Sanders, G.S. and Suls, J., Eds., *Social Psychology of Health and Illness*, Lawrence Erlbaum Assoc., Hillsdale, 1-25.
33. Erbiun, A, & Kobasa, S. (1979). Strssful life events, Personality, and health: An inquiry into hardiness. *Journal of Personality and socialpsychology*, 37, 1-11.
34. Moteshareyi, E., Farokhi, A., & Kashani, V. (2016). The comparison of mental toughness of women and men athletes in contact and no-contact sports. *Motor Behavior Journal*, 3(8): 71-86 (In Persian).
35. Mellalieu, Sh, & Hanton, Sh. (2009). *Advances in applied sport psychology: A review*.

36. Malekian, A., Mohammadi Biabri, S., Fattahi, J., & Safari, A. (2015). The Comparison of athlete and non-athlete student's happiness of Kermanshah City. *J Managment Science*, 1(1), 11-15.
37. Miller, J. D., Gentile, B., Wilson, L., & Campbell, W. K. (2013). Grandiose and vulnerable Narcissism and the DSM-5 pathological personality trait model. *Journal of Personality Assessment*, 95, 284-290.
38. Naami, A., Smaeeli Far, N., & Pourmahdi, A. (2014) Prediction of student's happiness based on the components of their socioeconomic status. *International Journal of Psychology and Behavioural Research*. 3(1): 61-74.
39. Paulhus, D. L. (2014). Measuring dark personalities. In G. J. Boyle, D. H. Saklofske, & G. Matthews (Eds.), *Measures of personality and social psychological constructs* (pp. 112-120). San Diego, CA: Academic Press.
40. Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The dark triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36(6), 556-563.
41. Paulhus, D. L. (1998). Interpersonal and intrapsychic adaptiveness of trait self-enhancement: A mixed blessing? *Journal of Personality and Social Psychology*, 74(5), 1197-1202.
42. Ramezani, S. G., & Gholtash, A. (2015). The relationship between happiness, self-control and locus of control. *International Journal of Educational Psychological Research*, 1(2): 100-104.
43. Rauthmann, J. F. (2012). The dark triad and interpersonal perception: Similarities and differences in the social consequences of narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Social Psychological and Personality Science*, 3, 487-496.
44. Salahshoor, B. B. (2014). The study of demographic and personality traits affecting the happiness among university students. *Resource Assessment Managmentt Technology Paper*, 40(3), 643-468.
45. Sangeeta, V., & Chetan, S. V. (2015). Happiness and peer pleasure among adolescent. *Indian Journal of Psychology*, 6(1), 103-105.
46. Sabouri, S., Gerber, M., Bahmani, D., Lemola, S., Clough, P. J., Kalak, N., & Brand, S. (2016). Examining dark triad traits in relation to mental toughness and physical activity in young adults. *Journal of Neuropsychiatric Disease and Treatment*, 1(1), 1-3.
47. Sheard, M., Golby, J., & Van Wersch, A. (2009). Progress towards construct validation of the Sports Mental Toughness Questionnaire (*SMTQ*). *European Journal of Psychological Assessment*, 25, 186-193.
48. Tarahi, M., & Nasirian, M. (2017). Happiness and risk behaviours in freshman students of Khorramabad universities: The first phase of a longitudinal study. *Iranian Journal of Psychiatry Behavioural Science*, 3(4): 72-79. (In Persian)
49. Toering, T. T., Elferink Gemser, M. T., Jordet, G., & Visscher, C. (2009). Self-regulation and performance level of elite and non-elite youth soccer players. *Journal of Sports Sciences*, 27, 1509-1517.
50. Veselka, L., & Vernon, P. A. (2014). Introduction to the special issue on the dark triad and related traits. *Personality Individual Journal*. 4(3): 100-107.
51. Wayne Leach, C., Spears, R., Nyla, R., & Doosje, B. (2003). Malicious pleasure: Schadenfreude at the suffering of another Group. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84(5): 932-43.

52. Willie, F., Elman, S, Mckelvie, J (2003). Narcissism in Football players: Stereotype or reality? *The Online Journal of Sport Psychology*, 5(1): 38-46.
53. Yavari, Y. (2014). Comparison of Narcissism and beliefs about appearance among elite and amateur body builder. *The Journal of Psychology Reaserchs*, 7, 49-62.
54. Zardoshtian, Sh., Ahmadi, B., & Azadi, A. (2012). The relation of autonomy-supportive behaviors of coaches with self-determined motivation and sport commitment of elite female players in Handball League. *Research in Sport Management & Motor Behavior*, 2(3), 150-167. (In Persian).
55. Zareei, A., Ghorbani, N., & Gharibi, H. R. (2016). Dark triad: Maladaptive personality structures detected in last century of scientific psychology. *Journal of Germination Psychology*, 5(14), 123-30.

استناد به مقاله

مظفری‌زاده، م.، حیدری، ف. و طیبی، م. (۱۳۹۸). اثر صفات سه‌گانه تاریک شخصیتی بر شادکامی و سرسختی ذهنی ورزشکاران و غیرورزشکاران. *مجله مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، شماره ۲۷، ص. ۳۰-۲۱۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/SPSYJ.2018.4362.1470

Mozafari Zadeh, M., Heidari, F., & Tayebi, M. (2019). The Effect of Dark Triad Traits of Personality on Happiness and Mental Toughness of Athletes and Non-Athletes. *Journal of Sport Psychology Studies*, 27; Pp: 211-30. In Persian. Doi: 10.22089/SPSYJ.2018.4362.1470

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Effect of Dark Triad Traits of Personality on Happiness and Mental Toughness of Athletes and Non-Athletes

Majid Mozafari Zadeh¹, Fatemeh Heidari²,
and Seyed Morteza Tayebi³

Received: 2017/07/15

Accepted: 2018/02/25

Abstract

The purpose of this study was to examine the effect of the dark triad traits on happiness and mental toughness among athletes of contact and non-contact sports, and non-athletes. 200 Taekwondo and Gymnastic athletes were selected by federation and 100 non-athletes conveniently, and completed the online questionnaires. Data was analyzed using Structural Equation Model. The results showed that narcissism had no effects on happiness of contact and non-contact sports athletes, and non-athletes; but Machiavellianism trait had significant and negative effect on happiness of non-contact sports athletes, and had no effect in athletes of contact sports and non-athletes. Besides, the happiness of three groups had significant and positive effect on three dimensions of mental toughness (Commitment, Control and Competitive Behavior). It is suggested that the sport psychologist and coaches have to pay attention to these athlete's traits.

Keywords: Machiavellianism, Happiness, Commitment, Control, Competitive Behavior, Contact Sports, Non-Contact Sports.

1 M.Sc. of Sport Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
(Corresponding Author) Email: mozafarizadeh.majid@gmail.com

2. M.Sc. of Sport Psychology, Tehran University, Tehran, Iran

3. Core Research of Health Physiology and Physical Activity, Assistant Professor of Exercise Physiology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.